



بزرگ مردی که شرق را شگفت زده کرد غرب را لرزاند

امام خمینی (ره) شرق را شگفت زده کرد، غرب را لرزاند، عرب را در تنگنا قرار داد و خود بدل به مسئله روز جهان گشت.

مصطفی انصافی

مطبوعات جهان درباره امام (ره) نوشتند؛ امام خمینی (ره) شرق را شگفت زده کرد، غرب را لرزاند، عرب را در تنگنا قرار داد و خود بدل به مسئله روز جهان گشت.

سالیان سال فضای کشور را سیاهی و تباهی و ظلم و استبداد فرا گرفته بود و جوّ رعب و وحشت در همه جا سایه گسترده بود، هیچ صدای آزادی به گوش نمی رسید و هر صدای مخالفی را طاغوت در نطفه خفه می کرد و آزادگان در بند و زیر شکنجه های سخت شهید می شدند. حکومت غاصب پهلوی با حمایت نیروی های استعمارگر خارجی به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی بر سرنوشت کشور مسلط شده بود. از منابع ملی و منابع عظیم نفتی به خاطر حمایت آنها از رژیم منحوس چشم می پوشید و این منابع ذی قیمت را به رایگان در اختیار آنان می گذاشت.

فضای کشور ماتم زده بود، کشور هیچ ابر و باران رحمتی را در افق دید خود تصور نمی کرد، فضا، فضای ناامیدی بود ولی مومنین در راز و نیاز شبانه خود از خداوند رحمان تقاضای باران رحمت الهی می نمودند و امید به رحمت بی منتهای خداوند منان بسته بودند، چرا که خداوند خود وعده نصرت و پیروزی به بندگان خالص را داده است. سرانجام در سال 1320 هجری قمری همزمان با سالروز تولد بانوی بزرگوار اسلام حضرت فاطمه زهرا (س)، امام خمینی که به حق موسی زمان بود در خانواده ای روحانی و مجاهد در شهر خمین چشم به جهان گشود و در آنجا رشد یافت و در سال 1337 در سن هفده سالگی جهت تحصیل علوم دینی به حوزه اراک رفت و از محضر آیت الله العظمی حائری استفاده کرد، وقتی آیت الله حائری از اراک به قم جهت تاسیس حوزه علمیه قم عزیمت نمودند امام نیز به دنبال ایشان به شهر مقدس قم مهاجرت کردند و از محضر اساتیدی همچون حائری؛ شاه آبادی و بروجردی کسب فیض نمودند تا خود به درجه استادی مبرز و توانا نائل آمدند. امام (ره) در درسهایش از محکوم کردن ظلم و استبداد رژیم ابا نداشتند. رفته رفته صدای ضدیت ایشان با حکومت منحوس پهلوی همه جا پیچید و آزادگان از روحانیون گرفته تا دیگر اقشار جامعه را متوجه خود ساخت و همه گرد آن وجود عزیز جمع شدند.

امام به مبارزه خود با رژیم طاغوت در اشکال مختلف مثل سخنرانی، اعلامیه و کتاب ادامه دادند. اعتراضات امام، زمانی به اوج رسید که در لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی سوگند به قرآن را از شرایط نمایندگی خارج نمودند. در این نقطه بود که خشم و غضب مردم نیز بالا گرفت و موج اعتراضات و اظهار خشم و نفرت به حد اعلا رسید و مخالفت ها با رژیم از منزل امام شروع شد و توسط دیگر روحانیون به سایر اقشار جامعه تسری یافت. شاه ملعون به مطالبات بحق مردم وقعی نمی نهاد و آنها را مخل امنیت رژیم خود و مانعی در راه سیاست های ضد اسلامی خود می پنداشت و سعی خود را در خفه کردن صدای مردم و حرکت نمودن در مسیر اهداف امپریالیسم و صهیونیسم دو چندان نمود، و با طرح انقلاب سفید قصد انحراف اذهان عمومی را داشت، لیکن برای ملت خدعه و نیرنگ رژیم کارساز نبود و امت همانند آتشفشان به خروش آمد و هیچ قدرتی توان مقابله با سیل ویرانگر ملتی ستمدیده بر علیه استبداد و الحاد را نداشت.

اقداماتی چند از سوی رژیم برای متوقف کردن نهضت صورت گرفت، اقداماتی چون کشتار مدرسه فیضیه که صرفاً شعله های این خشم را تند و تیزتر کرد. امام در واکنش به این کشتارها خشم خود را مستقیماً متوجه شخص شاه نموده و هدف را سرنگونی او و رژیمش شناسایی و تعریف کردند. رژیم برای مقابله با این سیل توفنده امام را تبعید کرد به این خیال که نهضت در نبود قطب آن فرو می پاشد. امام (ره) 14 سال را در عراق گذراندند و در این مدت چشم بر هم نمی گذاشت مگر با این هدف که ظلم و استبداد را ریشه کن کند.

امام راحل پس از ممانعت رژیم بعث از ادامه فعالیت های ایشان در رهبری مبارزات اسلامی برای هدایت نهضت راهی کویت شدند ولی وضعیت منطقه اجازه اقامت را به امام نداد و ناچاراً امام راحل راهی پاریس شدند. در پاریس فشارهای وارد شده نیز نتوانست سد راه رهبری امام شود، ایشان از امکانات رسانه ای غرب با هوشیاری تمام حداکثر استفاده را در جهت افشای ظلم و

استبداد رژیم و نشان دادن چهره زشت نظام حاکم به جهانیان، نمودند و با اعلامیه‌ها و پیام‌هایی که از طریق نوار کاست تهیه می‌شد توانستند مردم منتظر و انقلابی را به حرکت درآورند، تظاهرات میلیونی مردم در سال 57 به راه افتاده بود و رژیم با حربه تغییر دولتها سعی داشت تا تقصیر را به دوش دولتها بیندازد و با تغییر نخست وزیرهای مختلف شخصیت واقعی خود را مخفی نگه دارد. ولی مردم عامل اصلی سیه روزی‌های خود را شاه می‌دانستند و بر شعار سرنگونی رژیم سلطنت و محاکمه شاه خائن ایستادند و از شعارهایی خود کوتاه نیامدند تا اینکه وی ناچاراً از کشور گریخت به این امید که دوباره آمریکا به کمک عوامل داخلی بتواند همچون سال 1332 با یک کودتا، قیام مردمی را تباہ سازد و بتواند به کشور بازگردد. با فرار کردن شاه، مردم امید و انگیزه بیشتری برای مقاومت پیدا کردند و ته دل طرفداران رژیم خالی شد. امام که نمی‌توانستند نسبت به سرنوشت قیام مردم بی‌تفاوت بمانند فرصت راغنیمت شمرده و تصمیم به بازگشت به ایران را گرفتند.

۱۲ بهمن سال 57، ورود امام (ره) به ایران همچون بازگشتن خون به رگ‌های منجمد یکایک مردم مشتاق ایران بود که سالها در آرزوی حکومت اسلامی بودند که تحت لوای یک فقیه الهی اداره شود. ورود امام به کشور نوید بخش دوره‌ای تازه از رونق و شکوفایی معنوی و مادی بود و همچنین پایانی بود بر ناکامی‌ها و سرخوردگی‌ها. ایشان غرور ملی و عزت اسلامی را به کشور بازگرداندند، امام آمد و همراه خود ندای مبارک‌رهایی و بانگ خوش‌آهنگ استقلال و آزادی و زنده باد اسلام را زنده کرد، او سوار یکه تاز و پیشاهنگ و بیدارگر اسلام ناب محمدی (ص) در قرن بیستم بود، او تجسم همه آرمانها و آرزوهای دیرینه امت، بلکه همه مستضعفین جهان بود. روز 12 بهمن امام بر زمینی گام نهاد که از خون جوانان دلاور و هزاران لاله روییده بود و میلیون‌ها مرد و زن عاشق اسلام و ایران از کودک و جوان و پیر با هر قومیت و زبانی آمدند تا از میدان آزادی تا بهشت زهرا (س) آغوش خود را برای استقبال از موسی زمان بازکنند و مشتاقانه برای دیدن مردی که خاطره رنج طاقت فرسای یک ملت را به دوش می‌کشید و رهایی همه ملتها از رنج جباران عالم را فریاد می‌زد، لحظه‌شماری می‌کردند.

ای امام و پیشوای ما، دشمن سعی کردتا تو را از امت جدا کند و تبعید نماید تا بلکه نام بلند آوازه تو را از لابلای کتاب‌ها، روزنامه‌ها و منبرها پاک کند تا شاید نام تو از اذهان امت پاک شود. اما آنها نمی‌دانستند که اگر خدا بخواهد مقام و منزلت بنده‌ای را ارتقاء دهد، کیست که مانع کار شود. آری، حضور نام تو ای خمینی کبیر هر روز در دل‌های ما عزیزتر گردید. آنهایی که حتی تو را و حتی عکس تو را ندیده بودند، شیفته راه تو شدند چرا که در روایات دینی شنیده بودند که روزی مردی از اهل قم برای احیاء اسلام به پا خواهد خاست (رجل من اهل قم، بحار الانوار، جلد 60، ص 216) و مردم را به حق فرا می‌خواند، گروهی با او همراهی می‌کنند که چونان قطعه‌هایی از آهن محکم باشند، تندبادها آنان را تکان ندهد و از جنگ به ستوه نیایند و از چیزی ترسی به دل راه ندهند و با توکل بر خداوند به پیش می‌تازند و همواره پیروزی‌نهایی از آن پرهیزگاران است.

امام آمد و با حمایت ملت رژیم شاهنشاهی را برچید و نظام مقدس اسلامی را برپا کرد و مردم‌سالاری دینی را پایه‌گذاری کرد و طی ده سال با همه دشمنی‌ها و کارشکنی‌های استکبار جهانی و تحمیل جنگ هشت ساله، انقلاب اسلامی را با رهبری پیامبر گونه خود توانست به سر منزل مقصود برساند ولی دریغ و صد افسوس که زود از میان ما رفت، اما خدا را شکر که خلف صالح او حضرت آیت الله خامنه‌ای بیست و دو سال با همان صلابت و اقتدار راه انقلاب را با انرژی بیشتری به پیش بردند. امروز انقلاب اسلامی به مراتب قوی‌تر و شکوفا تر از گذشته به راه خود ادامه می‌دهد تا زمینه ساز ظهور حضرت قائم (عج) و حکومت عدل جهانی برپا شود.

ابعاد گسترده شخصیت امام خمینی (ره) چنان والا و ناشناخته است که هر چه زمان می‌گذرد، پرده از اسرار ناشناخته آن خورشید آسمان تشیع برداشته می‌شود و اگر چه هنوز ما در شعاع تابش آن نور ناب فرصت اندیشیدن به عمق وجود او را نیافته ایم اما با مطالعه نظرات دیگران راجع به امام راحل می‌توانیم پی به شخصیت عظیم او ببریم.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، در مورد شخصیت امام معتقدند که، او ما را زنده کرد و به حرکت درآورد و ما توانستیم به کمک وجود او به ارزش جغرافیایی و تاریخی کشورمان و به حقیقت فرهنگ گذشته، قرآن و ملت خود پی ببریم. امام به اسلام عزت بخشید و پرچم قرآن را در جهان به اهتزاز درآورد. الحق شخصیت آن عزیز یگانه، شخصیتی است دست نیافتنی و جایگاهش دور از تصور و اساطیر گونه بود.

امام خمینی (ره) یک حقیقت همیشه زنده است، راه او، راه ما، هدف او، هدف ما و رهنمود او، مشعل فروزنده ما است. امام خمینی (ره) علی‌الظاهر مدرسی بودند و در مسجد سلماسی تدریس می‌فرمودند، اما اخلاص، صفای باطن و رابطه معنوی و پیوند مستحکم میان ایشان و خدای مقلب القلوب موجب شد که ایشان دستی نیرومند برای برافکندن بنیاد ارزشهای مادی شود.

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند، من ده ساله اول انقلاب را به خاطر حضور امام در آن، یک دوران استثنائی می‌دانم. او نعمت بسیار بزرگی بود و افسوس که از نزد ما رفت. اگر چه جای خالی امام برای ما سخت و تلخ است، اما میراث گرانبهای معمار بزرگ انقلاب، امام خمینی (ره) حفظ خواهد شد.

آیت الله العظمی گلپایگانی بعد از فوت امام (ره) بیان داشتند که، شخصیتی دعوت حق را لبیک اجابت گفت که با مجاهدت بزرگ و فداکاری‌ها و رهبری‌های قاطع و محکم خود، اسلام را در عالم معاصر زنده کرد و ندای تکبیر و توحید را به گوش جهانیان رسانید و مجد و عظمت مسلمانان را به آنان بازگرداند و فریاد کوبنده اش دلهای مستکبران ابر قدرت را به لرزه درآورد. آیت الله العظمی اراکی نیز بیان داشتند که، کارهای این مرد (امام خمینی) فقط و فقط برای خداست، این مرد از آن کسانی است که اگر در روز عاشورا بود، هفتاد و دو تن، هفتاد و سه تن می‌شدند. روزنامه تشرین (چاپ دمشق) بعد از وفات امام در مقاله‌ای چنین نگاشت، جهان اسلام شخصیتی را از دست داد، که تاریخ نظیر او را کمتر به خود دیده است. امام خمینی با روح

بلند و با درک عمیق مسئولیت خود در برابر تاریخ، انقلاب بزرگی را علیه شاه، که هم پیمان با امپریالیسم و صهیونیسم بین المللی بود برقرار ساخت. او کاروان انقلاب اسلامی را با درایت و تدبیر از میان طوفان‌ها، شنزارها و صحراهای مخوف جهان متلاطم امروز به سوی نور، هدایت کرد. امروز امام در میان امت خود نیست، اما او خطی را ترسیم کرد، که به عنوان منشور ابدی و جاودانه انقلاب باقی خواهد ماند و این منشور مبارزه مستمر با ظلم، نژاد پرستی، استعمار و صهیونیسم است. عظمت شخصیت امام به حدی بود که حتی رسانه های غربی نیز نتوانستند از کنار او به راحتی عبور کنند و بعد از وفات امام بسیاری از این رسانه ها به بزرگی شخصیت امام معترف گشتند. تلویزیون بی بی سی بعد از وفات امام بیان داشت که در طول تاریخ معاصر تنها مردان معدودی بودند که توانستند در مدتی کوتاه این چنین گسترده بر سیر حوادث تاثیر گذارند. هفته نامه آبرور چاپ لندن رمز توفیق امام خمینی را خلوص عقیده و تقابل عقیدتی با ولنگاری های غرب می داند که همین رمز توفیق ایشان و احساس اقتدار پیروان است.

روزنامه ال پائیس چاپ مادرید نیز بعد از ارتحال امام نوشت، امام خمینی شخصیتی همیشه پیروز بود. راز پیروزی امام خمینی در شخصیت و خمیره او بود، همان خمیره ای که تمام شخصیت های بزرگ مذهبی باید داشته باشند. و آن مقاله این چنین ادامه یافت که، امام خمینی (ره) فوت کرد، اما راه آن خدا شناس اهل قم ادامه خواهد داشت. امروز تاثیرات پیام امام در الجزایر، تونس، مصر، فلسطین حتی آنها که دارای اکثریت سنی مذهب هستند به چشم می خورد. مجله اشپیگل نیز چنین نوشت که، فقط امام خمینی بوده است که به اعتراف حتی دشمنانش در تمامی عمرش یک زندگی همراه با تواضع و محقر و دور از هر گونه تمایلات و تجملات دنیوی داشته است و کوچک ترین لکه سیاهی در شرح حال زندگیش دیده نمی شود. توصیفات و تعاریف شخصیت ها و نشریه ها و رسانه های شرقی و غربی در باره امام خمینی (ره) بسیار است ولی قدر و قیمت یافتن امام به دلیل این توصیفات و تمجید ها نیست. امام راه انبیاء و اولیاء خداوند سبحان را رفت و زندگی خود را در این راه وقف نمود و از این رو بود که باری تعالی نام و یاد و راهش را جاودانه ساخت. به حق، امام یک حقیقت همیشه زنده بوده و هست و راهش در ایران اسلامی به فضل خداوند ادامه خواهد یافت.